

تحلیلی بر اقتصاد اسلامی و مؤلفه‌های آن در قرآن کریم

احمد عربشاهی کریمی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و تحلیل اقتصاد اسلامی با تأکید بر قرآن کریم است. ابتدا به بررسی رابطه اسلام و علم اقتصاد پرداخته تا بتوان به تعریف اقتصاد اسلامی دست یافت. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که اقتصاد اسلامی به عنوان علمی بین رشته‌ای به شمار می‌آید و قلمرو مطالعاتی فلسفه اقتصاد اسلامی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی را در بر می‌گیرد. در ادامه اهداف و اصول اقتصاد اسلامی را یادآور شده و وظایف بازار اسلامی و ویژگی‌های آن را از نظر گذرانده‌ایم. در بخشی از پژوهش پیامدها و خروجی‌های علم اقتصاد اسلامی را مورد اشاره قرار داده و اقتصاد اسلامی و «هماهنگی منافع فرد و اجتماع» مورد تأکید واقع شده است. سپس از دیدگاه اسلام گزاره‌های حاکی از سنت‌های حاکم بر اقتصاد را ذکر کرده و آموزه‌های اقتصاد اسلامی را بیان کرده‌ایم. در انتها سعی کرده‌ایم تا نگاهی دقیق‌تر به قرآن کریم داشته باشیم و مؤلفه‌های مربوط به اقتصاد اسلامی را از قرآن کریم استخراج نماییم تا به تصویر جامع و کامل‌تری از اقتصاد اسلامی دست یابیم.

کلیدواژگان: اقتصاد، اسلام، قرآن کریم، اقتصاد اسلامی.

مقدمه

یکی از اهداف اساسی زندگی بشر دستیابی به کمال است و در سطوح فردی، خانوادگی، سازمانی و ملی و جهانی در جست و جوی آن است. به طور کلی جوامع به دنبال رشد و توسعه می‌باشند و از طرق و روش‌های مختلف استفاده می‌نمایند تا به اهداف و آمال خویش برسند. باید توجه داشت که روش‌ها و مدل‌های مختلفی برای تحقق و توسعه ترسیم و تبیین شده اما آنچه که در کشورهای مسلمان تا کنون به طور جدی بدان پرداخته نشده است ترسیم و تبیین مسیر رشد و توسعه از دیدگاه اسلام است. در حقیقت مسلمانان باید از تعالیم ارزشمند اسلام بهره‌گیرند و مسیر رشد و توسعه در سطوح مختلف جامعه را بر مبنای آن پی‌ریزی نمایند. از محققان مسلمان در رشته‌های مختلف علمی انتظار می‌رود تا نظریه‌پردازی در حوزه تخصصی خویش را بر مبنای اصول و تعالیم اسلام و بر اساس منابع اصیل اسلامی انجام دهند. طبعاً یکی از حوزه‌های اساسی زندگی بشر حوزه اقتصاد است و ما در این پژوهش سعی داریم با مطرح نمودن بحث اقتصاد اسلامی، تأملی در این رابطه بر قرآن داشته باشیم و به برخی مؤلفه‌های اقتصاد اسلامی دست یابیم.

اقتصاد اسلامی به عنوان علمی بین رشته‌ای

اقتصاد اسلامی علمی بین رشته‌ای است که یک پای در دین دارد و پای دیگر در اقتصاد. این دانش حوزه اقتصاد و حوزه دین را به هم پیوند می‌دهد. در نتیجه، این علم بین رشته‌ای نیازمند تعریف، تبیین روش مطالعاتی، مفاهیم معین و نظریه‌هایی در قالب چارچوب و الگوهای علمی است. بر این اساس دقت در خاستگاه نظریه‌ها، مفاهیم و مصطلحات هر کدام از دو دانش اقتصاد و اسلام مهم است؛ زیرا بی‌توجهی به این مهم می‌تواند موجبات خلط‌های گاهی ماندگاری شده که طرز تلقی‌های نامتعارف را پدید آورد. ماندگاری این خلط به عواملی مانند بی‌توجهی به بایستگی‌های علوم بین رشته‌ای، شخصیت و جایگاه فرد محقق و ... بستگی دارد. به طور طبیعی جایگاه علمی محقق، داشتن کرسی استادی و ... از عوامل تداوم این خلط شمرده می‌شود. در نتیجه خلط مفهومی، تحلیل‌ها بر این خلط استوار شده، علم در راهی نادرست گام بر خواهد داشت.

تمام مطالعه‌های اقتصاد اسلامی باید به گونه‌ای باشد که مفاهیم و نظریه‌های دینی را در قالب چارچوب‌ها و الگوهای نظری علوم اسلامی تبیین کند، و از سوی دیگر مفاهیم و نظریه‌های اقتصادی را نیز در چارچوب‌های پیش‌گفته بررسی کند تا بتوان علمی بین رشته‌ای تدوین کرد (فرزین وش و همکاران، ۱۳۹۰).

قلمرو علم اقتصاد اسلامی

عده‌ای گمان کرده‌اند از آنجا که اقتصاد، علمی اثباتی بوده و دین اسلام، بیش از هر چیز دستوری است، بنابراین اقتصاد اسلامی واژه‌ای بامعنا نخواهد بود. اهمیت و تأثیر منفی این شبهه در آن است که برخی را واداشته تا در پاسخ به آن، مجبور به پذیرش فقدان علم اقتصاد اسلامی و قناعت به پذیرش وجود مکتب اقتصاد اسلامی مجبور شوند؛ البته با این پیش‌فرض که زمانی می‌توان به دنبال علم اقتصاد اسلامی بود که جامعه‌ای متشکل از مسلمانان معتقدی که تمام رفتارهای خود را بر اساس آموزه‌های اسلامی تنظیم می‌کنند، تحقق یافته باشد. باید گفت: این گفتمان، بر پیش‌فرض پوزیتیویستی متکی است که علم را به تبیین مشاهده‌ها محدود می‌کند. در تاریخ عقاید اقتصادی این پرسش مهم مطرح است که آیا علوم اقتصادی فقط به مطالعه اقتصاد اثباتی مربوط می‌شود اقتصاد دستوری را بررسی می‌کند یا به مطالعه هر دو می‌پردازد.

"مکتب کینزی" که آن را جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۶ میلادی در انگلستان پایه گذاشت و امروزه بسیاری از اقتصاددانان مجرب به ویژه پل ساموئلسن و جان کنت گالبرایت از آن پیروی می‌کنند، معتقد است که علوم اقتصادی، مطالعه توأم اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری است. افزون بر این، همان گونه که اشاره شد، بین احکام دستوری و اثباتی رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ به گونه‌ای که از نظام ارزشی می‌توان برخی احکام اثباتی را که نظام بر آن مبتنی است استنتاج کرد. با توجه به چنین امکانی می‌توان نظریه تأثیر آموزه‌های اسلامی بر کشف جنبه‌های اثباتی علم اقتصاد را نیز دنبال کرد؛ برای نمونه، به آیات ذیل می‌توان اشاره کرد:

﴿وَلَا تَمْدَنَّ عَيْنِكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقًا رَبِّكَ

خَيْرٌ﴾ (طه/۱۳۱)

«و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم می‌فکن! این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیا است تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.»

﴿وَلَا تَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (نساء / ۳۲)

«برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! [این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است؛ ولی با این حال] مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی [و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال شود و از فضل و رحمت و برکت] خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز دانا است.»

این آیات به طور تلویحی بیان می‌دارد که تقاضای فرد برای کالا از مصرف دیگران تأثیر می‌پذیرد؛ اگرچه قرآن او را به غلبه بر این تمایل ترغیب کرده است. این فرضیه با فرضیه استقلال مطلوبیت‌ها که در اقتصاد اثباتی کنونی شالوده قسمت اعظم نظریه رفتار مصرف کننده و اقتصاد رفاه است تفاوت دارد (هادوی نیا، ۱۳۸۵).

اقتصاد اسلامی و «هماهنگی منافع فرد و اجتماع»

از تلفیق دیدگاه‌های اسلام درباره ابعاد وجودی جهان و هماهنگی تلاش و پاداش می‌توان به آموزه دیگری، یعنی جمع دنیا و آخرت دست یافت که می‌تواند اقتصاد اسلامی را در حل معضل هماهنگی منافع فرد و اجتماع یاری رساند:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص / ۷۷)

«و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و همچنان که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.»

برآیند سه جمله اول این آیه جمع بین دنیا و آخرت با تکیه بر دو آموزه ابعاد سه‌گانه جهان و هماهنگی پاداش و تلاش است؛ زیرا جمله «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا بِهِ» این واقعیت اشاره دارد که هر انسانی سهم و نصیب محدودی از دنیا می‌برد؛ یعنی اموالی که جذب بدن او یا صرف لباس و مسکن او می‌شود مقدار معینی است، و مازاد بر آن، به هیچ وجه قابل جذب نیست؛ اما درباره بقیه امکاناتی که پروردگار در اختیار وی می‌گذارد چه باید بکند؟ جمله «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ» نیز به این نکته اشاره دارد که با انفاق مال و ثروتی که خداوند به فرد عطا کرده است، امکان کسب پاداش آخرتی فراهم می‌آید.

جمله «وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» نیز اشاره به بعد معنوی جهان دارد؛ زیرا این نیز واقعیتی است که انسان همیشه، چشم بر احسان خدا دوخته و از پیشگاه او هرگونه خیر و نیکی را تقاضا می‌کند، و همه‌گونه انتظار از او دارد. در چنین حالی چگونه می‌تواند تقاضای صریح یا تقاضای حال دیگران را نادیده بگیرد و بی تفاوت از کنار همه این‌ها بگذرد؟

بنابراین، آیه پیش‌گفته هماهنگی منافع فرد و اجتماع را با توجه به رابطه دنیا و آخرت به ارمغان می‌آورد.

قسمت‌نهایی آیه نیز به این نکته اشاره می‌کند که اگر چنین هماهنگی صورت نپذیرد، باید منتظر نوعی فساد در زمین بود. قرآن کریم در آیات بعدی این سوره به قارون و وضعیت نابسامان اختلاف طبقاتی آن زمان اشاره می‌کند، و به این ترتیب گوش زد می‌کند که ترک انفاق مال به فقیران و امتناع اغنیا از ادای حقوق آنان، سبب دشمنی و اختلاف شدید طبقاتی شده، زمینه‌های بروز بحران‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که سرمایه‌داران نیز در این حالت از مال و ثروت خود کم‌ترین بهره را خواهند برد. در هر صورت، ریشه ناهماهنگی پیشین در فقدان یکی از دو عنصر ابعاد سه‌گانه جهان یا هماهنگی تلاش و پاداش در مبانی جهان‌شناسی است که در این صورت جمع دنیا و آخرت فراهم نمی‌آید.

چگونگی برخورد اقتصاددانان مسلمان درباره تبیین هماهنگی منافع فرد و اجتماع از چنین دیدگاهی نشان دارد (هادوی نیا، ۱۳۸۵).

گزاره‌های حاکی از سنت‌های حاکم بر اقتصاد ۱. نقش انسان در سنت خوشبختی و بدبختی

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَم يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرَ أَمَامًا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ

عَلِيمٌ﴾ (انفال/۵۳)

﴿أَنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّىٰ يُغَيِّرَ أَمَامًا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد/۱۱)

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا أَلْعَلَّهُمْ

يَرْجِعُونَ﴾ (روم/۴۱)

ارتباطی مستحکم بین تداوم نعمت‌های خدا و عمل انسان وجود دارد تا جایی که هرگاه رفتار قومی عوض شد نعمت آنان نیز تغییر پیدا می‌کند؛ و این تصریحی است از قرآن بر حاکمیت انسان نسبت به سرنوشت خود به طوری که دوام نعمت با دوام شکر ملازم است و ناسپاسی عامل زوال نعمت خواهد بود و با زوال نعمت سرنوشت عوض می‌شود. یعنی تا وقتی استقامت فطری در ایمان و عمل محفوظ باشد نعمت‌ها تداوم می‌یابد و هرگاه وضع عوض شد، یعنی انحراف از فطرت پدید آمد، نعمت‌ها به مصیبت و بلا دگرگون می‌شود. پس در حقیقت رشته در دست خود انسان است و اوست که می‌تواند از این سنت الهی به نفع یا به زیان خود بهره‌گیرد.

۲. گوارائی زندگی بدون هوای نفس

امامان معصوم علیه السلام بهتر از هر متفکری خصوصیات زندگی دنیوی مرفه را بیان فرموده‌اند، به نظر می‌رسد حتی کافران اگر بخواهند در این دنیا زندگی آسوده و مرفه داشته باشند، باید در تأمین این چهار ویژگی بکوشند (تندرستی، امنیت، وسعت روزی، مونس موافق) در جهان بینی اسلامی، آسوده زیستن و مرفه بودن هدف غایی نیست، هدف غایی امری آخرتی و مربوط به روح است و زندگانی مرفه وسیله دستیابی به آن هدف غایی شمرده می‌شود. در قرآن کریم نیز می‌خوانیم:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق/۳ و ۲)

برخی از روایات نیز نشان می‌دهد که یاد خدا و نعمت‌های او زندگی را گواراتر

می‌سازد.

۳. تفاوت انسان‌ها از نظر استعداد

﴿وهو الذي جعلكم خلائفًا في الأرض ورفع بعضكم فوق بعض درجات ليبلوكم في ما آتاكم ان ربك سريع العقاب وانه لغفور رحيم﴾ (انعام/۱۶۵)
﴿والله فضل بعضكم على بعض في الرزق فما الذين فضلوا برأدي رزقهم على ما ملكت ايماهم فهم فيه سواء أفبنعمة الله يجحدون﴾ (نحل/۷۱)

اسلام این حقیقت غیرقابل انکار را پذیرفته که افراد بشر از حیث استعدادهای جسمی و روحی و صفات بدنی و فکری متفاوت اند. آنان در صبر و شجاعت، همت و آرزو، ذکاوت و نوآوری، توانایی بدنی و استحکام عصبی و صدها ویژگی دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت‌ها از دیدگاه اسلامی نتیجه امور قهری که طبقه اجتماعی شخص، در اثر وضعیت اقتصادی و جبر تاریخ بر او تحمیل کرده باشد نیست تا ادعا شود با رفع آن می‌توان همه انسان‌ها را از حیث تمامی خصال یکسان گردانید، بلکه امری است که مجموعه عامل ارثی طبیعی، و حتی اختیاری آن را شکل داده و به عنوان یک حقیقت غیرقابل انکار درآمده است.

از این رو چنین تفاوتی را نه می‌توان از بین برد و نه از بین بردن آن مفید است؛ زیرا همین اختلافات است که کاروان تمدن بشری را به جلو می‌برد، امکان رشد و ترقی و تعالی را در جامعه بشری فراهم می‌آورد.

۴. توکل عامل کفایت الهی

﴿ومن يتوكل على الله فهو حسبه﴾ (طلاق/۳)

انسان موجودی است که با داشتن جوهره ایمان به خدا می‌تواند در مقابل همه عوامل مزاحم بایستد و مقاومت کند. دلیل این امر این است که کارایی هر علتی وابسته به اراده خداست و هرگاه خداوند چیزی را بخواهد قطعاً به مرادش خواهد رسید. اراده او از مراد تخلف‌ناپذیر است. حال آنکه علت‌های واسطه تنها به اندازه‌ای امکان استفاده از علیت خود را دارند که خداوند به آن‌ها بخشیده است. از این رو خداوند کارساز صادق الوعد است. وقتی می‌فرماید: ﴿ومن يتوكل على الله فهو حسبه﴾ معنی‌اش این است که وقتی فشار

نیروهای مخالف بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم افزون می‌گردید، و مشرکان اصرار در کفر و عناد می‌ورزیدند، خداوند به او می‌فرمود:

﴿فَان تَوَلَّوْا فَلَ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ﴾ (توبه/۱۲۹)

۵. نقش انسان در یاری‌رسانی الهی

﴿ان تنصروا اللّٰه ينصركم ويثبت اقدامكم﴾ (محمد/۷)
﴿ولا تركنوا الى الذين ظلموا فتمسكم الظنار وما لكم من دون الله من اولياء ثم لا تنصرون﴾
(هود/۱۱۳)

۶. روی‌گردانی از یاد خداوند عامل سختی و تنگی معیشت

﴿ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكا﴾ (طه/۱۲۴)
﴿ويهدى اليه من اناب الذين آمنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر تطمئن القلوب﴾
(رعد/۲۷-۲۸)
﴿وان لو استقاموا على الطريقة لاسقيناهم ماء غدقاً لفتنهم فيه ومن يعرض عن ذكر ربه يسلكه عذاباً صعباً﴾ (جن/۱۶-۱۷)

علامه می‌گوید: «عیش اخص از حیات است و به معنای زندگی است و برای خداوند به کار نمی‌رود. "ضنک" یعنی تنگی و سختی در هر چیزی. آیه نشان می‌دهد که هر کس از ذکر خدا اعراض کند خداوند معیشت را برایش تنگ می‌گرداند و آن به دلیل نسیان ذکر الهی و رهایی و انقطاع از ذکر خداوند است. و کسی که دچار چنین حالتی شود چاره‌ای ندارد مگر این که به دنیا وابسته و متعلق گردد و آن را تنها مطلوب خود قرار دهد و در معیشت و وسعت بخشیدن در آن بکوشد.

چنین انسانی چه به معیشت کم و چه فراوانی دست یابد نمی‌تواند نفس خود را راضی و قانع گرداند و سعی هرچه بیش‌تر خود را مصروف رسیدن به بیش‌تر می‌گرداند چنین انسانی همیشه دچار ضیق صدر و ناآرامی قلبی گردیده، با هم و غم و ناراحتی و اضطراب و ترس گریبانگیر است.

گاهی تنگی معیشت به خاطر این نیست که درآمد کمی دارد، ای بسا پول و درآمدش هنگفت باشد ولی بخل و حرص و آز زندگی را بر او تنگ می‌کند. نه قناعتی که جان او را پر کند، نه توجه به معنویت که به او غنای روحی دهد و نه اخلاقی که او را در برابر طغیان شهوات بازدارد.

۷. تکامل و پیشرفت در گرو تحمل سختی‌ها

﴿ولقد ارسلنا الی امر من قبلک فاخذناهم بالبأساء والضراء لعلهم یتضرعون﴾ (انعام/۴۲)

و اعراف/۹۴)

﴿فلولاء اذ جاءهم بأسنا تضرعوا ولکن قست قلوبهم و زین لهم الشیطان ما کانوا یعملون﴾

(انعام/۴۳)

﴿والصابرین فی البأساء والضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون﴾

(بقره/۱۷۷)

علامه طباطبایی می‌فرماید: «"بأس و بؤس"، معنی سختی و کراهت است و بأساء مثل فقر و قحطی و ... و ضرر و الضراء به ناپسندی و ناخرسندی در مسائلی است که به نفس و روح انسان برمی‌گردد مثل غم و جهل؛ و یا آن چیزی است که به بدن انسان برمی‌گردد مثل مریضی یا نقص عضو و ... و جمع بین بأساء و ضراء مقصود تحقق شدائد و سختی‌هایی در خارج مثل سیل و زلزله و قحطی و گرسنگی و سختی‌هایی در نفوس انسان‌ها مثل ترس، فقر، بدحالی است. معنای آیه این است که خداوند امت‌هایی را با گرفتاری‌های بأساء و ضراء امتحان کرده تا ببیند به چه میزان به درگاه خداوند استتکاف و تضرع می‌آورند و آیا از تزئینات شیطانی و دنیا زدگی رهایی می‌یابند یا خیر؟ ولی چون از ذکر الهی سرباز می‌زنند، و دچار نسیان می‌گردند، ابواب نعمت‌های دنیوی را به روی آن‌ها می‌گشاید و آن‌ها را برای مسابقه جهت استقامت مادی و دنیوی غرق نعمت می‌کند. و از مزایای زندگی از اموال و فرزندان و سلامتی و رفاه و امنتی و... برخوردار می‌سازد و با سنت استدراج و مکر الهی با آنان برخورد می‌نماید:

﴿فلما نسوا ما ذکرناه ففتحنا علیهم ابواب کل شیء حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة

فاذا هم مبلسون﴾ (انعام/۴۴)

۸. همراهی سختی با آسانی

- ﴿ان مع العسر يسراً﴾ (انشراح/۶)
﴿سيجعل الله بعد عسر يسراً﴾ (طلاق/۷)
﴿واما من اعطى واتقى وصدق بالحسنى فسنيسره لیسرى﴾ (لیل/۵-۷)

۹. ریزش نعمت‌ها عامل عذاب برای جامعه ناصالح

- ﴿فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون﴾ (انعام/۴۴)
﴿ولا تعجبك اموالهم واولادهم انما يريد الله ان يعذبهم بها وتزهق انفسهم وهم كافرون﴾ (توبه/۸۵)
﴿ولا يحسبن الذين كفروا انما نملى لهم خيبر لانفسهم انما نملى لهم ليزدادوا اثماً ولهم عذاب مهين﴾ (آل عمران/۱۷۸)

۱۰. نیاز انسان به آبادانی و عمران

استقرار انسان در زمین و تأمین نیازهای طبیعی و فراهم کردن وسایل آسایش زندگی او، نیازمند آبادانی و عمران و خدمات اجتماعی و تولید است. لذا تأمین آبادانی و عمران زمین یکی از هدف‌های فرعی زندگی و از هدف‌های اصلی اقتصاد اسلامی است. در دیدگاه اسلام مال امانتی در دست انسان است که از دیگران به او منتقل شده و وظیفه خود را در حفظ، نمو و گسترش و هزینه بی مورد آن فراموش نباید بکند.

۱۱. اصل عدم اطمینان از پیامدهای فعالیت‌های کنونی

- ﴿ولو كنت اعلم الغيب لاستكثرت من الخير وما مئنى السوء﴾ (اعراف/۱۸۸)
﴿وماتدرى نفس ماذا تكسب غداً﴾ (لقمان/۳۴)

این دو آیه قرآن، همراه با آیات دیگر به اصل مسلم عدم اطمینان از پیامدهای کنونی تأکید می‌کند. کم‌اند کسانی که در واقعیت این اصل تردید می‌کنند. با این حال، بخش‌های عمده‌ای از علم اقتصاد به خصوص در نظریات مربوط به سرمایه، بهره و بنگاه،

هنوز بر اصل پیش‌بینی کامل که با اصل فوق تضاد دارد استوار است (حسینی کوهساری، ۱۳۸۵).

آموزه‌های اقتصاد اسلامی

ما بدون ورود به نقد و بررسی اختلاف‌ها در قلمرو و آموزه‌های اقتصاد اسلامی، گمان می‌کنیم آموزه‌های اقتصاد اسلامی (همانند آموزه‌های اقتصادی سایر مکاتب اقتصادی) به مراحل مترتب بر هم ذیل قابل تقسیم هستند:

۱. مبانی اعتقادی: آموزه‌هایی هستند که بیانگر جهان‌بینی حاکم بر رفتارهای اقتصادی و زیربنا و تکیه‌گاه فکری و نظری مکتب اسلام درباره آموزه‌های اقتصاد اسلامی است. موضوع این آموزه‌ها، خدای متعالی و صفات او، جهان هستی، انسان و جامعه است.
۲. مجموعه‌ای از اصول و قواعد اساسی: این مجموعه دستورهای کلی مبتنی بر مبانی اعتقادی و ارزشی است که جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و حل مشکلات و معضلات اقتصادی هستند. همانند مالکیت مختلط (خصوصی و عمومی)، آزادی اقتصادی محدود، لزوم دخالت دولت برای تحقق اهداف اقتصادی، لزوم توزیع عادلانه ثروت‌های اولیه و توزیع مجدد درآمدها، لزوم رعایت حق فرد و جامعه در تراحم مصالح فرد و جامعه.
۳. احکام اقتصادی: احکام و قوانین در حوزه فعالیت‌های اقتصادی افراد، سازمان‌ها و دولت است. تعدادی از این احکام عبارت‌اند از حرمت ربا، اسراف، احتکار، کنز، انحصار، اتلاف، اضرار به غیر، اتراف. همچنین احکام مربوط به بورس‌بازی، قیمت‌گذاری کالاها و خدمات به وسیله دولت، اخذ مالیات، سیاست‌های تورم‌زا، جبران کاهش ارزش پول، بیمه و حکم انواع معاملات شناخته شده در فقه معاملات مثل بیع، اجاره، مضاربه، مساقات.
۴. الگوهای رفتاری در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف: این الگوها فعالان اقتصادی (دولت و مردم) را به هم و به منابع ارتباط می‌دهند و فعالیت‌های اقتصادی را به سوی اهداف اقتصادی رهنمون می‌شوند. این الگوها در بستر اصول و قواعد اساسی، و احکام اقتصادی شناخته شده، استنباط و استخراج می‌شوند. این الگوها عبارت‌اند از الگوی مصرف، الگوی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، الگوی عرضه و تقاضای بازار کالا و خدمات، الگوی عرضه و تقاضای بازار عوامل.

چهار دسته آموزه‌های پیش گفته با توجه به ویژگی‌های بیان شده در جهت تحقق یک سری اهداف اقتصادی در جامعه، شناسایی و ساماندهی می‌شوند؛ در نتیجه دسته پنجم آموزه‌ها نیز مورد توجه است.

۵. اهداف اقتصادی: اهداف اقتصادی، نقطه‌های مطلوب و خواسته‌هایی هستند که هر فعال اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی خود و کل نظام اقتصادی، راهبردها و سیاست‌های اقتصادی نظام را برای دستیابی به آن سامان می‌دهد. این اهداف در سطح کلان از قبیل رفاه عمومی، عدالت اقتصادی و امنیت اقتصادی است و در سطح خرد به صورت هدف سرمایه‌گذار و تولیدکننده و نیز هدف مصرف‌کننده مطرح است؛ برای مثال گفته می‌شود: هدف تولیدکننده حداکثر کردن سود و هدف مصرف‌کننده بیشینه کردن مطلوبیت است (یوسفی، ۱۳۸۵).

مروری بر برخی مؤلفه‌های اقتصاد اسلامی در قرآن کریم

در این قسمت از بحث تحلیل اقتصاد اسلامی قصد داریم تا به طور مشخص به مؤلفه‌هایی که در قرآن آمده و با اقتصاد اسلامی مرتبط است اشاره نماییم. در جدول ذیل ابتدا مؤلفه‌های مزبور آورده شده و در مقابل آن آیاتی از قرآن کریم که در آن موضوع اشاراتی داشته‌اند آورده شده است.

برخی مؤلفه‌های اقتصاد اسلامی در قرآن کریم

ایمان به خدا و روز آخرت و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران و ایمان به غیب:
(بقره / ۱۷۷)، (بقره / ۱۸۶)، (بقره / ۲۵۶)، (بقره / ۲۵۷)، (بقره / ۲۷۷)، (بقره / ۳)، (بقره / ۴)،
(بقره / ۲۵)، (بقره / ۳۹)، (بقره / ۴۱)، (بقره / ۶۲)، (بقره / ۸۲)، (بقره / ۸۵)، (بقره / ۱۱۲)،
(بقره / ۱۳۶)، (آل عمران / ۱۹)، (آل عمران / ۲۰)، (آل عمران / ۵۷)، (آل عمران / ۸۴)، (آل عمران / ۸۵)،
(آل عمران / ۱۱۴)، (آل عمران / ۱۷۹)، (آل عمران / ۱۹۹)، (النساء / ۳۶)، (النساء / ۳۸)،
(النساء / ۵۷)، (النساء / ۱۲۲)، (النساء / ۱۵۲)، (النساء / ۱۶۲)، (النساء / ۱۷۳)،
(المائده / ۵)، (المائده / ۱۲)، (المائده / ۵۶)، (المائده / ۶۵)، (المائده / ۶۹)، (الانعام / ۱۲)،
(الانعام / ۳۱)، (الانعام / ۴۸)، (الانعام / ۸۲)، (الانعام / ۹۲)، (الاعراف / ۴۲)، (الاعراف / ۹۶)،

(الاعراف/۱۵۶)، (الانفال/۲)، (التوبه/۱۸)، (التوبه/۱۱۲)، (یونس/۴)، (یونس/۶۳)، (هود/۲۳)، (یوسف/۵۷)، (الرعد/۲۹)، (النحل/۶۴)، (النحل/۹۷)، (النحل/۹۹)، (الاسراء/۱۰)، (الاسراء/۱۹)، (الکهف/۳۰)، (الکهف/۱۰۷)، (الکهف/۱۱۰)، (مریم/۶۰)، (مریم/۷۶)، (مریم/۹۶)، (طه/۱۵)، (طه/۸۲)، (طه/۱۱۲)، (الانبیاء/۱۶)، (الانبیاء/۳۵)، (الانبیاء/۴۷)، (الانبیاء/۹۴)، (الحج/۱۱)، (الحج/۱۴)، (الحج/۲۳)، (الحج/۳۸)، (الحج/۵۰)، (الحج/۵۶)، (المومنون/۱)، (المومنون/۴۴)، (المومنون/۵۸)، (النور/۵۵)، (الفرقان/۷۰)، (النمل/۳)، (النمل/۵۳)، (القصص/۶۷)، (القصص/۸۰)، (العنکبوت/۵)، (العنکبوت/۷)، (العنکبوت/۹)، (العنکبوت/۵۸)، (الروم/۱۵)، (الروم/۴۵)، (الروم/۵۳)، (لقمان/۴)، (لقمان/۸)، (السجده/۱۸)، (السجده/۱۹)، (السجده/۲۴)، (الاحزاب/۳۵)، (سبأ/۸)، (سبأ/۳۷)، (فاطر/۷)، (الزمر/۳۳)، (الزمر/۵۲)، (غافر/۵۱)، (غافر/۵۸)، (غافر/۵۹)، (فصلت/۸)، (فصلت/۱۸)، (فصلت/۳۰)، (فصلت/۴۴)، (الشوری/۱۸)، (الشوری/۲۲)، (الشوری/۲۳)، (الشوری/۲۶)، (الشوری/۳۶)، (الزخرف/۶۹)، (الجاثیه/۳۰)، (الاحقاف/۱۳)، (محمد/۲)، (الفتح/۵)، (الفتح/۹)، (الفتح/۲۹)، (الحجرات/۱۵)، (الطور/۲۱)، (الحديد/۷)، (الحديد/۸)، (الحديد/۱۹)، (الحديد/۲۱)، (الحديد/۲۷)، (الحديد/۲۸)، (المجادله/۱۱)، (المجادله/۲۲)، (المتحنه/۶)، (الصف/۷)، (الصف/۱۱)، (التغابن/۸)، (التغابن/۹)، (التغابن/۱۱)، (الطلاق/۱۰)، (الطلاق/۱۱)، (التحریم/۸)، (الحاقه/۴۱)، (المعارج/۲۶)، (المعارج/۳۳)، (المدثر/۳۱)، (المرسلات/۵۰)، (النبأ/۲۷)، (النازعات/۲)، (الإنشقاق/۲۰)، (الإنشقاق/۲۵)، (البروج/۱۱)، (البلد/۱۷)، (اللیل/۶)، (التین/۶)، (البینة/۵)، (البینة/۷)، (العصر/۳).

توکل بر خدا:

(آل عمران/۱۲۲)، (آل عمران/۱۵۹)، (آل عمران/۱۶۰)، (المائدہ/۱۱)، (الانفال/۲)، (ابراهیم/۱۲)، (النحل/۹۹)، (العنکبوت/۵۹)، (المجادله/۱۰)، (التغابن/۱۳)، (الطلاق/۳).
فریفته نشدن و دل نبستن به زندگی دنیا؛ بیهوده نبودن آفریده شدن آسمان‌ها و

زمین:

(الأنعام/۷۰)، (یونس/۲۴)، (هود/۱۵)، (ابراهیم/۳)، (الکهف/۴۶)، (الکهف/۱۰۴)، (القصص/۷۷)، (العنکبوت/۶۴)، (لقمان/۳۳)، (سبأ/۳۷)، (فاطر/۳)، (فاطر/۵)،

(الشوری/۲۰)، (الشوری/۳۶)، (الزخرف/۳۵)، (الدخان/۳۸)، (الجاثیه/۲۲)، (محمد/۳۶)،
(الحديد/۲۰)، (المنافقون/۹)، (التغابن/۱۴)، (التغابن/۱۵)، (النازعات/۳۸)، (الأعلى/۱۶)،
(الأعلى/۱۷)، (الفجر/۲۰)، (البلد/۴)، (البلد/۵)، (اللیل/۱۱)، (الشرح/۵)، (الشرح/۶)،
(العلق/۶)، (العلق/۷)، (العادیات/۸)، (التکاثیر/۱)، (التکاثیر/۸)، (العصر/۲)، (الهمزه/۲)،
(الهمزه/۳).

صبر و شکیبایی (در سختی و زیان و به هنگام جنگ و ...):

(بقره/۴۵)، (بقره/۱۵۵)، (بقره/۱۷۷)، (بقره/۱۵۳)، (آل عمران/۱۷)، (آل عمران/۱۴۲)، (آل عمران/۱۴۶)، (آل عمران/۱۸۶)، (آل عمران/۲۰)، (هود/۱۱۵)،
(یوسف/۹۰)، (الرعد/۲۲)، (الرعد/۲۴)، (ابراهیم/۱۲)، (النحل/۹۶)، (النحل/۱۲۶)،
(الحج/۳۵)، (المؤمنون/۱۱۱)، (الفرقان/۷۵)، (القصص/۵۴)، (القصص/۸۰)،
(العنکبوت/۵۹)، (لقمان/۱۷)، (السجده/۲۴)، (الاحزاب/۳۵)، (الزمر/۱۰)، (فصلت/۳۵)،
(الشوری/۴۳)، (المعارج/۱۹)، (المعارج/۲۰)، (الانسان/۱۲)، (الانسان/۲۴)، (البلد/۱۷)،
(العصر/۳).

انفاق مال و بخشش؛ نیکی کردن:

(بقره/۱۷۷)، (بقره/۱۹۵)، (بقره/۲۱۵)، (بقره/۲۴۵)، (بقره/۲۵۴)، (بقره/۲۶۱)،
(بقره/۲۶۴)، (بقره/۲۶۵)، (بقره/۲۶۷)، (بقره/۲۷۰)، (بقره/۲۷۲)، (بقره/۲۷۴)، (بقره/۳)،
(آل عمران/۱۷)، (آل عمران/۱۳۴)، (النساء/۳۸)، (المائدہ/۱۲)، (الانفال/۳)،
(التوبه/۵۳)، (التوبه/۹۸)، (التوبه/۹۹)، (الرعد/۲۲)، (ابراهیم/۳۱)، (النحل/۷۵)،
(النحل/۹۰)، (الحج/۳۵)، (المؤمنون/۶۰)، (النور/۲۲)، (الفرقان/۶۷)، (القصص/۵۴)،
(الروم/۳۸)، (السجده/۱۶)، (الاحزاب/۳۵)، (فاطر/۲۹)، (الشوری/۳۸)، (الذاریات/۱۹)،
(الرحمن/۶۰)، (الحديد/۷)، (الحديد/۱۰)، (الحديد/۱۱)، (الحديد/۱۸)، (المنافقون/۱۰)،
(التغابن/۱۶)، (التغابن/۱۷)، (الطلاق/۷)، (المعارج/۲۴)، (المعارج/۲۵)، (المزمل/۲۰)،
(المدثر/۴۴)، (الحشر/۹)، (الانسان/۸)، (الانسان/۹)، (الماعون/۳).

بخل نورزیدن:

(آل عمران/۱۸۰)، (النساء/۳۷)، (الحديد/۲۴)، (المعارج/۲۱)، (اللیل/۸).

عدم خیانت:

(النساء/۱۰۷)، (الحج/۳۸).

نخوردن مال یتیمان:

(النساء/۲)، (النساء/۱۰)، (النساء/۱۲۷)، (الانعام/۱۵۲).

زکات دادن:

(بقره/۱۷۷)، (بقره/۲۷۷)، (بقره/۴۳)، (بقره/۸۳)، (بقره/۱۱۰)، (النساء/۱۶۲)،
(المائدہ/۱۲)، (الاعراف/۱۵۶)، (التوبه/۵)، (التوبه/۱۸)، (التوبه/۷۱)، (الانبیاء/۷۳)،
(الحج/۴۱)، (الحج/۷۸)، (المؤمنون/۴)، (النور/۳۷)، (النور/۵۶)، (النمل/۳)، (لقمان/۴)،
(الاحزاب/۳۳)، (المزمل/۲۰)، (البینہ/۵)، (الماعون/۷).

وفای به عهد:

(بقره/۱۷۷)، (المائدہ/۱)، (الانعام/۱۵۲)، (الصف/۲)، (الصف/۳)، (المعارج/۳۲)،
(الانسان/۷).

راستگویی و عدم دروغگویی:

(بقره/۱۷۷)، (آل عمران/۱۷)، (المائدہ/۱۱۹)، (الفرقان/۷۲)، (الشعراء/۲۲۲)،
(لقمان/۱۸)، (الاحزاب/۳۵)، (الزمر/۳)، (الزمر/۳۲)، (الزمر/۶۰)، (الجاثیہ/۷)،
(الذاریات/۱۰)، (الواقعه/۹۲)، (الصف/۷).

ارث:

(النساء/۷)، (النساء/۳۳).

پرهیز از رشوه (به ناروا خوردن اموال):

(بقره/۱۸۸)، (النساء/۲۹)، (النساء/۳۰).

عدم تجاوز از حد و از اندازه گذراندن و عدم افراط:

(بقره/۱۹۰)، (بقره/۱۹۳)، (المائدہ/۸۷)، (طه/۱۲۷)، (المؤمنون/۷)، (الفرقان/۶۷)،
(لقمان/۱۹)، (الزمر/۵۳)، (المعارج/۳۱)، (المطففین/۱۲).

عدم ظلم و ستمکاری و ستمگری:

(بقره/۱۲۴)، (آل عمران/۱۲۸)، (آل عمران/۱۴۰)، (آل عمران/۱۵۱)، (النساء/۹۷)،
(النساء/۱۶۰)، (النساء/۱۶۸)، (المائدہ/۳۳)، (المائدہ/۵۱)، (الانعام/۲۱)، (الانعام/۱۳۵)،
(الانعام/۱۵۷)، (الاعراف/۸)، (الاعراف/۹)، (مریم/۷۲)، (الحج/۷۱)، (القصص/۳۷).

(القصص / ۵۰)، (الروم / ۲۹)، (غافر / ۵۲)، (الشوری / ۲۲)، (الشوری / ۴۰)، (الشوری / ۴۲)، (الشوری / ۴۴)، (الشوری / ۴۵)، (الزخرف / ۳۹)، (الاحقاف / ۱۲)، (الذاریات / ۵۹)، (الطور / ۴۷)، (الحشر / ۱۷)، (الانسان / ۳۱)، (الفجر / ۱۹).

دوری از بدکاری و گناه:

(بقره / ۸۱)، (النساء / ۳۱)، (النساء / ۱۱۱)، (النساء / ۱۱۲)، (الانعام / ۱۲۰)، (الانعام / ۱۵۱)، (یونس / ۲۷)، (النحل / ۹۰)، (طه / ۷۴)، (طه / ۱۰۲)، (الشعراء / ۲۲۲)، (السجده / ۲۲)، (فاطر / ۱۰)، (فاطر / ۴۳)، (الزمر / ۴۸)، (الزمر / ۵۱)، (غافر / ۷۸)، (الشوری / ۳۷)، (الزخرف / ۷۴)، (الدخان / ۳۷)، (الجاثیه / ۷)، (الجاثیه / ۲۱)، (الجاثیه / ۳۳)، (محمد / ۱۴)، (النجم / ۳۲)، (النجم / ۳۸)، (القمر / ۴۷)، (الرحمن / ۴۱)، (الواقعه / ۴۶)، (المرسلات / ۴۶)، (عبس / ۴۲)، (الإنفطار / ۱۴)، (المطففین / ۷)، (المطففین / ۱۲)، (الشمس / ۸)، (الشمس / ۹)، (الشمس / ۱۰).

امر به معروف و نهی از منکر:

(آل عمران / ۱۰۴)، (آل عمران / ۱۱۴)، (التوبه / ۷۱)، (التوبه / ۱۱۲)، (الانبیاء / ۷۳)، (الحج / ۴۱)، (فصلت / ۳۳)، (الحاقه / ۳۴)، (الفجر / ۱۸)، (البلد / ۱۷)، (العصر / ۳)، (الماعون / ۳).

قیام برای عدالت و دادگری و داوری با عدالت و عدم کم فروشی:

(النساء / ۵۸)، (المائده / ۴۲)، (النساء / ۱۳۵)، (المائده / ۸)، (الانعام / ۱۵۲)، (الاعراف / ۲۹)، (النحل / ۷۶)، (النحل / ۹۰)، (الحجرات / ۹)، (الرحمن / ۸)، (الحديد / ۲۵)، (الممتحنه / ۸)، (المطففین / ۱)، (المطففین / ۲)، (المطففین / ۳)، (اللیل / ۵).

عدم انجام قمار: (بقره / ۲۱۹)، (المائده / ۹۰)، (المائده / ۹۱).

ربا نخوردن:

(بقره / ۲۷۵)، (بقره / ۲۷۸)، (آل عمران / ۱۳۰)، (النساء / ۱۶۱).

ثبت معاملات:

(بقره / ۲۸۲)، (بقره / ۲۸۳).

بیان حقیقت و درنیامیختن حق با باطل:

(بقره / ۴۲)، (النساء / ۱۳۵)، (النساء / ۱۷۱)، (المائده / ۷۷)، (الزخرف / ۸۶).

امانتداری:

(النساء / ۵۸)، (المومنون / ۸)، (المعارج / ۳۲).

روزی بر عهده خداست:

(هود/۶)، (طه/۱۳۲)، (الحج/۵۰)، (الحج/۵۸)، (الروم/۳۷)، (الجمعه/۱۱)، (الطلاق/۳)،
(الطلاق/۱۱)، (الملک/۱۵)، (المزمل/۲۰)، (الفجر/۱۶).

نتیجه بحث

در این مقاله به بررسی اقتصاد اسلامی با تأکید بر قرآن کریم پرداخته شد. یکی از اولین نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که اقتصاد اسلامی علمی بین رشته‌ای است و حوزه اقتصاد و حوزه دین را به هم پیوند می‌دهد. قلمرو مطالعاتی فلسفه اقتصاد اسلامی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی را شامل می‌شود.

اسلام از طرفی دارای اهداف و اصولی اقتصادی روشن است و برای حصول اهداف و اصول مورد نظر، دارای ابزار و وسایلی نیز می‌باشد. اصول پایه‌ای اسلام می‌تواند شامل عدالت، ریشه‌کنی فقر و استضعاف، منع ثروت اندوزی، منع استثمار و امثال آن باشد؛ و برای حصول این اهداف، اسلام بر ابزارهایی از قبیل منع اسراف و تبذیر، منع اختلاس و احتکار، منع ربا و رشوه، توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها، استفاده از انفال و ثروت‌های عمومی، برنامه‌ریزی در کشاورزی و دامپروری برای رفع نیازهای اولیه، انفاقات و صدقات و زکوات و اخماس توجه به کار مفید اقتصادی (و اهمیت به حقوق کارگر)، و دیگر وسایل استوار می‌باشد.

بر اساس مباحث اقتصاد اسلامی مشروح در پژوهش، گزاره‌های حاکی از سنت‌های حاکم بر اقتصاد عبارت‌اند از نقش انسان در سنت خوشبختی و بدبختی؛ گوارائی زندگی بدون هوای نفس؛ تفاوت انسان‌ها از نظر استعداد؛ توکل عامل کفایت الهی؛ نقش انسان در یاری‌رسانی الهی؛ روی‌گردانی از یاد خداوند عامل سختی و تنگی معیشت؛ تکامل و پیشرفت در گرو تحمل سختی‌ها؛ همراهی سختی با آسانی؛ ریزش نعمت‌ها عامل عذاب برای جامعه ناصالح؛ نیاز انسان به آبادانی و عمران؛ و اصل عدم اطمینان از پیامدهای فعالیت‌های کنونی.

آموزه‌های اقتصاد اسلامی در پنج دسته قابل تقسیم‌بندی است: مبانی اعتقادی؛ مجموعه‌ای از اصول و قواعد اساسی؛ احکام اقتصادی؛ الگوهای رفتاری در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف؛ و اهداف اقتصادی.

مؤلفه‌های اقتصاد اسلامی که از قرآن استخراج شده است از این قرارند: ایمان؛ توکل بر خدا؛ فریفته نشدن و دل نبستن به زندگی دنیا؛ صبر و شکیبایی؛ انفاق مال، بخشش و نیکی کردن؛ بخل نورزیدن؛ عدم خیانت؛ نخوردن مال یتیمان؛ زکات دادن؛ وفای به عهد؛ راستگویی و عدم دروغگویی؛ ارث؛ پرهیز از رشوه (به ناروا خوردن اموال)؛ عدم تجاوز از حد و از اندازه گذراندن و عدم افراط؛ عدم ظلم و ستمکاری و ستمگری؛ دوری از بدکاری و گناه؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ قیام برای عدالت و عدم کم‌فروشی؛ عدم انجام قمار؛ ربا نخوردن؛ ثبت معاملات؛ بیان حقیقت و درنیامیختن حق با باطل؛ امانتداری؛ تفکر و تعقل و اندیشه کردن خردمند بودن؛ و روزی بر عهده خدا بودن. کنارهم قرار دادن این مؤلفه‌ها در کنار یکدیگر می‌تواند تصویر روشن‌تر و کامل‌تری از اقتصاد اسلامی را ایجاد نماید.

کتابنامه

قرآن کریم

مقالات

- اسدی، علی. ۱۳۹۳، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳.
- پرزلی، جان آر و سشنز، جان جی. ۱۳۸۶، «اقتصاد اسلامی: ظهور یک الگوی فکری جدید»، ترجمه وحید مهربانی، راهبرد یاس، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۶.
- پور فرج، علی رضا. ۱۳۸۷، «طراحی مدل علمی بر اساس مبانی و پارادایم های اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۸۷.
- توکلی، محمدجواد. ۱۳۸۹، «درآمدی بر چیستی، قلمرو، و چشم اندازهای فلسفه اقتصاد اسلامی»، معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره اول، پیاپی سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- قحف، منذر. ۱۳۸۵، «مروری بر الگوهای اقتصاد اسلامی»، ترجمه سیدحسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، سال ششم، بهار ۱۳۸۵.
- کحف، منذر. ۱۳۸۵، «علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش»، ترجمه سیدحسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، سال ششم، پاییز ۱۳۸۵.
- میرمعزی، سیدحسین. ۱۳۹۰، «درآمدی بر روش علم اقتصاد اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۰.
- میرمعزی، سیدحسین. ۱۳۹۲، «درآمدی بر روش علم اقتصاد اسلامی (اقتصاد برکت)»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۹۲.
- هادوی نیا، علی اصغر. ۱۳۸۵، «امکان، ضرورت و جایگاه اقتصاد اسلامی (مطالعه تطبیقی با اقتصاد کلاسیک)»، اقتصاد اسلامی، سال ششم، پاییز ۱۳۸۵.
- یوسفی، احمدعلی. ۱۳۸۵، «روش های کشف آموزه های اقتصاد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، سال ششم، تابستان ۱۳۸۵.